

" اشکی در گذرگاه تاریخ ! "

هرودت (herodotus) که پدر تاریخ لقب گرفته است، تاریخ را به عنوان مطالعه و بررسی روزگاران گذشته معرفی می نماید. به عبارت دیگر تاریخ عبارت از مطالعه در احوال گذشتگان است. تاریخ را نمیشود تحریف، مسخ و یا سانسور نمود. آنانیکه به همچو اعمال ناصواب مبادرت میورزند، در حقیقت در حق فرزندان کشور خیانت بزرگی را روا میدارند. چگونه میشود یک قسمت تاریخ را که همانا مطالعه در احوال گذشتگان است و روزگاران گذشته را مورد بررسی قرار میدهد، از صفحات تاریخ یک کشور، زدود؟ آیا حذف یک برهه زمانی تاریخ و یا سانسور آن، خود یک جنایت تاریخی نیست؟ منابع خبر رسانی، گزارشی را منتشر کردند که به اصطلاح قوت از سر می پراند و انسان را وحشت در هم می پیچد. گزارشی که به مشکل میشود آنرا باور کرد. اما در عصر و زمانه ما، هر ناصوابی را، صواب پندارند و هر دروغی را راست جلو دهند و هر کذبی را، حقیقت. هر خادمی را خائن و هر خائنی را، خادم. در چنین عصر و زمانه ای، البته که میشود تاریخ یک کشور را به زباله دانی انداخت و تاریخ فرمایشی را جاگزین آن ساخت و به خورد خلق الله داد. به گزارش مذکور توجه کنید:

(تحولات سیاسی ۴ دهه گذشته در مضمون تاریخ تدریس نمی شود)

وزارت معارف افغانستان می گوید، بخاطر جلوگیری از اثرات منفی روی ذهنیت نسل جدید، تحولات سه تا چهار دهه گذشته را در مضمون تاریخ مکاتب افغانستان نه گنجانیده است. محمد آصف ننگ معین مسلکی و تخنیکی این وزارت به روز دوشنبه در صحبت با رادیو آزادی گفت، مسایلی باید درج مضمون تاریخ شود که در برگیرنده افتخارات ملی بوده و صفحه رهنما برای تمام جامعه باشد: " تاریخ باید نسل ساز باشد، نه ویران کننده. تاریخ باید واقعیت ها، افتخارات، بزرگ مردی ها و درس عبرت باشد، نه اینکه زمینه ساز باشد برای خشونت، انتقام گیری، منازعه و نه به یک فصل بد، آن بخش تاریخ را که عقده و منازعات را زنده می کند، وحدت ملی را از بین می برد، ما آنرا نمی آوریم، صفحات خالی بهتر است از اینکه صفحات پر شود و منازعه و فتنه برانگیزد."

آقای ننگ می گوید که به اساس میثاق یونسکو تحولاتی شامل نصاب تعلیمی تاریخ می شود که 50 سال یا نیم قرن پیش اتفاق افتاده باشند. به گفته وی اصول تاریخ نویسی ایجاب می کند که باید مسایل در تاریخ گنجانیده شود که مردم از آن درس عبرت گیرند نه مواردی که سبب اختلافات میان افراد جامعه گردد.)

یعنی اینکه مضمون تاریخ در مکاتب افغانستان به نحوی باید تدریس گردد که فرزندان و آینده سازان این کشور باستانی، در مورد چهار دهه یا چهل (۴۰) سال گذشته کشور شان در تاریکی و سردرگمی و بیخبری گذاشته شوند. یعنی اینکه مضمون تاریخ در مکاتب افغانستان از آنچه بر این مرز و بوم در چهل سال گذشته رفته است، یک قلم پاک گردد و به فرزندان این آب و خاک تفهیم گردد که برای چهل سال تاریخ نداشته اند. کشور ایکه تاریخ ندارد، وجود خارجی ندارد.

محمد آصف ننگ خوب میداند که تاریخ یعنی چه، اما مجبور ساخته میشود تا تاریخ را سانسور و مسخ نموده و جفنگ بگوید. او میگوید: " تاریخ باید واقعیت ها، افتخارات، بزرگ مردی ها و درس عبرت باشد..."

آیا جنگ افغان- روس بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، یک واقعیت نبود؟
آیا مبارزات آزادی خواهانه مردم افغانستان در مقابل تجاوزگران روسی، از افتخارات فراموش ناشدنی مردم افغانستان نیست؟

آیا جان نثاری ها و سربازی های مردم و تقدیم بیش از دو میلیون شهید در پای محراب آزادی، بزرگ مردی برای افغانها و درس عبرت برای متجاوزین بیگانه نیست؟

آیا کودتای ننگین ثور ۵۷ و جنگ های تنظیمی بین سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷، درس عبرتی برای آیندگان به شمار نمی رود؟

آیا جنگ های تنظیمی- طالبی و مداخلات گسترده اجنبی از سال های ۷۷ تا امروز، پاره ای از تاریخ کشور نیست؟

شما خود تاریخ را همینگونه تعریف نموده اید و شما خود در همین گزارش مندرک میشوید که از این قسمت تاریخ چشم پوشی میکنید و این برهه از تاریخ را حذف و سانسور میکنید تا بگفته شما از خشونت و انتقام گیری، جلوگیری نموده باشید. اما نظر به فرموده خودتان، " **واقعیت ها، افتخارات و بزرگ مردی** " های باشندگان خطه ای بنام افغانستان را دیده و دانسته، پرده می افکنید.

تاریخ کهن افغانستان از بدو وجود تا این دم، شاهد جنگ های خانمان برانداز داخلی و تهاجمات خونبار خارجی بوده است. یکبار تاریخ کشور تانرا ورق بزنید. آیا قادر هستید همه تاریخ کشور ما را پاک کرده و نیست و نابود سازید و یک تاریخ فرمایشی و مسخ شده را جاگزین آن سازید؟

تاریخ **فصل خوب و بد** ندارد، جناب "ننگ". تاریخ، تاریخ است و تاریخ کشورها، با خون فرزندان آن نوشته میشود. شما و تمام اراکین حکومت تان، هرگز صلاحیت آنرا ندارید تا خون فرزندان مردم را پامال امیال شوم خود سازید.

تاریخ به گفته شما " **درس عبرت** " است. پس چگونه توقع دارید فرزندان این مهد کهن درس عبرتی بگیرند از تاریخی که سانسور و تحریف شده باشد؟

از کدام قسمت تاریخ فرمایشی مورد نظر شما، باید درس عبرت گرفت؟

شما جناب (ننگ)، چگونه میخواهید تاریخ سفید تقدیم فرزندان شهدائی نمائید، که تاریخ این خطه باستانی را با خون های سرخ خویش رقم زده اند؟

آن فرزندان افغان که بعد از کودتای منحوس ثور ۵۷، پا به این جهان پر آشوب گذاشته اند، امروز بیش از سی (۳۰) سال عمر دارند و سی سال شاهد تجاوز، مقاومت، جنگ، کشتار، تخریب و ویرانی و دربردی و آوارگی و بی خانمانی خود، فامیل، عزیزان و هموطنان خود بوده اند. آنان شاهد حماسه آفرینی ها، رشادت ها، از خود گذری ها و جانبازی های پدران و برادران و خواهران و مادران خود بوده اند و به آن کارنامه های زرین، افتخار و مباحات میکنند. آنان امروز پدران و مادران نسل جدید و آینده سازان کشور هستند. آنان به فرزندان خود آموخته اند که بر این سرزمین چه گذشت و چه میگذرد؟ آنان از تاریخ پرتلاطم کشور شان، برای فرزندان خود حکایت ها و حماسه ها گفته اند و این سرگذشت دردناک و خونبار، سینه به سینه نقل شده و نسل اندر نسل باقی خواهد ماند. تاریخ چهل سال این کشور در خون نشسته را اگر از مضمون تاریخ مکاتب حذف کنید، از رگ و خون و پوست و گوشت و استخوان مردم زدوده نمی توانید.

آیا شما جناب " آصف ننگ " و شما جناب " فاروق وردک "، جنگ های سه گانه افغان - انگلیس را بیاد ندارید؟ آیا با غرور و افتخار به فرزندان تان بار بار تکرار نکرده اید که در جنگ اول افغان- انگلیس، از قشون شانزده هزار نفری انگلیس، صرف یک نفر زنده ماند و اسم او هم " **داکتر براین** " بود؟

آیا ذکر این کارنامه ها در مضمون تاریخ مکاتب افغانستان، باعث افتخار بوده است یا مایه نفاق و تخریب وحدت ملی؟

پس چگونه با درج سه جنگ افغان - انگلیس، هیچگونه عقده و منازعات، زنده نشد و فروپاشی وحدت ملی را سبب نگردید؟

آیا زمام داران آن زمان هم باید به این بهانه های واهی و کس مخر، مضمون تاریخ در مکاتب کشور را سفید میکردند و روی خود را سیه؟

شما اگر تاریخ خونبار و پر از فراز و نشیب چهل سال گذشته این مرز و بوم را، در مضمون تاریخ مکاتب افغانستان، بیاورید یا نیاورید، هیچ تفاوتی برای فرزندان و آیندگان ما ندارد. شما میتوانید تلویزیون ها، رادیو ها، اخبار، مجلات، روزنامه ها و حتی اینترنت را در زمینه سانسور کنید، اما هرگز قادر نیستید، مظلوم و جنایاتی را که در بیشتر از سه دهه گذشته بر این مرز و بوم رفته است، پرده پوشی نموده و بالای آن خاک اندازید.

صفحات سفید یا بگفته جناب ننگ، " **صفحات خالی** "، تاریخ ارزانی شما صاحبان قدرت باد که ما را گلوگیر است. این آش که برای مردم پخته اید، سخت شور است و دود آن چشم خودتان را کور خواهد کرد.

فرزندان این دیار آزادگان، هرگز نمی گذارند تا تاریخ افغانستان مسخ و سانسور گردد. تاریخ سه دهه پسین کشور بخاک و خون نشسته ما، یک تاریخ زنده و گویا است و بیشتر از بیست میلیون شاهد زنده دارد.

تاریخ به حال شما اشک میریزد و شما را نفرین میکند و نسل های بعدی قضاوت خواهند کرد که چه دستانی در کار بوده اند که تاریخ کشور شان را نا مردانه سانسور کرده و یک تاریخ مسخ شده به فرزندان و آینده سازان کشور پیشکش کرده اند تا چند خائن و خائف، به فکر خام خود شان، از قضاوت تاریخ فرار کرده باشند.

تاریخ را مردم می سازند، نه حکومت ها.

شمس تبریز چه خوش گفته است:

" چون گفتنی باشد،
و همه عالم، از ریش من، در آویزد،
که مگر نگویم...،
اگر چه بعد از هزار سال باشد،
این سخن،
بدان کس برسد که

من خواسته باشم!" (ش ۷۸، صفحه ۱۲۷)

توجه آنانی را که میخواهند به زعم خود تاریخ یک کشور را سانسور نمایند، به قسمت هائی از شعر زیبای شاعر
آزاده ایران زمین، فریدون مشیری جلب میکنم، تا باشد اندرین مورد درس عبرتی فراگیرند.

اشکی در گذرگاه تاریخ

از همان روزی که دست حضرت قابیل
گشت آلوده به خون حضرت هابیل
از همان روزی که فرزندان آدم
صدر پیغام آوران حضرت باری تعالی
زهر تلخ دشمنی در خونشان جوشید
آدمیت مُرد
گرچه آدم زنده بود
از همان روزی که یوسف را برادر ها به چاه انداختند
از همان روزی که با شلاق و خون دیوار چین را ساختند
آدمیت مرده بود

.....

قرن ما
روزگار مرگ انسانیت است
سینه دنیا ز خوبی ها تهی است
صحبت از آزادی، پاکی، مروت، ابلهی است
صحبت از موسی و عیسی و محمد نابجاست
قرن موسی چنبه ها است

.....

صحبت از پژمردن یک برگ نیست
وای جنگل را بیابان می کنند
دست خون آلود را در پیش چشم خلق پنهان میکنند
هیچ حیوانی به حیوانی نمیدارد روا
آنچه این نامردمان با جان انسان می کنند

*

صحبت از پژمردن یک برگ نیست
فرض کن مرگ قناری در قفس هم مرگ نیست
فرض کن یک شاخه گل هم در جهان هرگز نرسد
فرض کن جنگل بیابان بود از روز نخست
در کویری سوت و کور
در میان مردمی با این مصیبتها صبور
صحبت از مرگ محبت مرگ عشق
گفتگو از مرگ انسانیت است